

کتاب عوبدیا

پیشگفتار

لذا کتاب باید اندکی پس از سال ۵۸۷ ق.م. نوشته شده باشد.

از خود نبی جز نامی بیش نمی دانیم، نامی که البته در کتاب مقدس به کار رفته، اما درباره خودش هیچ اطلاعی در دست نداریم. آنچه مهم است، پیام او است. در لحظه ای که همه چیز از دست رفته به نظر می رسد (معبد ویران شده و قوم به تبعید رفته اند)، او رؤیایی می بیند: خدا فرا رسیدن روز خود را اعلام می دارد و می فرماید که او ارباب ملت ها است و برای استقرار فرمانروایی خود، در تاریخ مداخلت می کند. نبی در طول پیامی که می شنود، لب به سخن می گشاید (آیات ۱۰-۱۵) تا خطای ادوم را تشریح کند: ایشان نسبت به اسرائیل، هم مرتکب خیانت شده اند و هم طمع. ادعاهای تکبرآمیز حکیمان نشان را نیز باید به این افزود. مجموع اینها وحی ای تسلی بخش را برای جامعه دلسرد رهایی یافتگان به وجود می آورد.

در اینجا مشکلی که مطرح می شود این است که آیات ۲-۶ در ارمیا ۷:۴۹-۱۶ نیز یافت می شود، گرچه به شکلی اندکی

این کوتاهترین کتاب در میان کتاب های نبوتی است، اما نباید این نتیجه را گرفت که فاقد ارزش می باشد. بلکه خلاف آن صادق است! این اثر متشکل از وحی هایی بسیار زیبا است که بسیار الهام بخش می باشد و سبک ادبی اش مشابه سبک تمام وحی های نبوتی در مورد «ملت ها» است، خصوصاً آنهایی که نویددهنده فرا رسیدن روز خداوند می باشد. از نقطه نظر ساختار، کتاب به شکل یک رؤیا است (آیات ۱-۱۵). در آغاز آن عنوانی وجود دارد (آیه ۱ الف). بعد از رؤیا، گفتاری به شکل نتیجه گیری آمده (آیات ۱۶-۱۸) که اثر یک ویراستار است. مجموع این آیات، بخشی تفسیرگونه و متأخر به دنبال دارد که به دست کاتبانی ناشناس به نثر نوشته شده است (۱۹-۲۱).

در خصوص تعیین تاریخ نگارش کتاب، اشاره ای هست که بر اساس آن می توان به نتیجه ای رسید؛ نبی در رؤیا رفتار قوم ادوم را که اعقاب عیسو هستند، در قبال قوم برادر، یعنی بنی اسرائیل، اعقاب یعقوب، در لحظه سقوط اورشلیم (آیه ۱۰)، توصیف می کند.

پیشگفتار کتاب عوبدیا

متفاوت. این امر سبب شده که برخی به این باور برسند که کتاب عوبدیا پیش از کتاب ارمیا نوشته شده است و متعلق به سده نهم ق.م. می‌گردد. اما اشارات مربوط به سقوط اورشلیم (در ۵۸۷ ق.م.) آنقدر روشن است که پذیرش چنین فرضیه‌ای را ناممکن می‌سازد. بر اساس مطالعات حاضر، نمی‌توان تعیین کرد که این بخش، در کتاب ارمیا متقدم است یا در کتاب عوبدیا. شاید هم هر دو از منبعی مشترک استفاده کرده باشند.

کتاب عوبدیا

عنوان

^a رؤیای عوبدیا.

چنین سخن می گوید خداوند یهوه درباره

ادوم:

۱۴:۴۹ خبری از جانب یهوه شنیده ایم^b،

و پیام آوری به میان ملت ها فرستاده شده

است:

«به پا خیزید! و برای جنگ بر علیه او^c

حرکت کنیم.»

گفتار خداوند^d

۱۶:۴۹-۱۵ اینک تو را در میان ملت ها کوچک

ساخته ام،

تو به نهایت خوار شمرده شده ای.

^e تکبر دلت تو را فریفته^e،

تو که در شکافهای «صخره»^f ساکنی،

مسکنت ارتفاعات است،

و در دلت می گویی:

چه کس مرا به زمین فرود خواهد آورد؟

۴ اگر همچون عقاب خود را بالا

می بردی،

و اگر آشیانه خود را در میان ستارگان

قرار می دادی،

تو را از آنجا فرود می آوردم - وحی یهوه.

۵ اگر دزدان نزد تو آیند

یا غارتگران شب هنگام

آنچنانکه اینک از دست رفته ای! -

آیا به دلخواه خود نخواهند دزدید؟

اگر انگورچینان نزد تو آیند،

آیا چیزی برای چیدن نخواهند گذارد؟

۶ چه سان کاویده شده، عیسو!

و کشف شده، پناهگاههایش^h!

a واژه «رؤیا» که بیانگر تجربه ای پیچیده متشکل از رؤیت و استماع و خلسه است، در اینجا دلالت دارد بر مجموع مکاشفه

نبوتی، نظیر آنچه در اش ۱:۱ و حب ۲:۲-۳ مشاهده می کنیم.

b کاربرد فعل به ضمیر جمع این تصور را ایجاد می کند که نبی تنها نیست. افراد دیگری نیز گرد او حضور دارند که با موجودات عالم الهی هستند، یا همقطارانی که قادرند پیام او را تأیید کنند. در ترجمه یونانی و ار ۱۴:۴۹ فعل به ضمیر مفرد است.

c در اصل، ضمیر «او» مؤنث است؛ ملت ادوم به یک زن تشبیه شده است. پس از این، نبی مستقیماً سرزمین ادوم را مخاطب قرار می دهد و به همین دلیل، از ضمیر سوم شخص مذکر استفاده می کند.

d آیات ۲-۴ قطعه اول را تشکیل می دهند که در آن، خداوند قوم متکبر را تحقیر می کند. آیات ۵-۷ قطعه دوم است که در آن ذکر می شود که ادوم غارت شده، مورد خیانت قرار می گیرد. و بالاخره، آیات ۸-۹ نتیجه این بخش است که در آن شکست بزرگان توصیف می شود.

e «تکبر دلت» ر.ک ار ۱۶:۴۹؛ پید ۱۳:۳۶؛ اش ۱۴:۳۶؛ اش ۱۰:۳۷؛ ار ۱۰:۴؛ ار ۱۰:۲۱؛ ۲۴.

f برای درک تمام تصاویر این قطعه، باید موقعیت جغرافیایی پایتخت ادوم را مد نظر داشت؛ این شهر در منطقه ای صخره ای واقع شده که غیر قابل دسترس است و پر از غار، و در آن نقاطی هست که کار دفاع از شهر را آسان می سازد. «صخره» شاید

اشاره ای باشد به شهر پترا (ر.ک توضیحات ۲-پاد ۷:۱۴) یا به شهر سلا واقع در شمال این محل.

g «فریفته» ر.ک ار ۱۶:۴۹؛ پید ۱۳:۳۶؛ اش ۱۴:۳۶؛ اش ۱۰:۳۷؛ ار ۱۰:۴؛ ار ۱۰:۲۹؛ ۸.

h ر.ک ار ۱۰:۴۹ («پناهگاههایش را عریان ساخته ام»)

خطای ادوم^۹

۱۰ به سبب قتل عام و به سبب خشونت
 که علیه برادرت یعقوب [روا داشته شده]
 تو را شرمساری خواهد پوشاند^r،
 و برای همیشه برکنده خواهی شد.
 ۱۱ آن روز که دور می ایستادی^s،
 آن روز که بیگانگان لشکرش را به
 اسیری می بردند^t،
 ناآشنایان به دروازه هایش نفوذ می کردند
 و بر اورشلیم قرعه می انداختند^u،
 تو نیز همچون یکی از آنان بودی.
 ۱۲ به روز برادرت با شادی منگر
 به روز شوربختی اش؛
 بر پسران یهودا شادی منما

میک: ۷:۸

۷ تو را تا به مرزⁱ دور افکنده اند،
 جمله متحدانت تو را فریب داده اند،
 بر تو چیره شده اند آن دوستان نزدیک^j؛
 آنان که نانت^k را [می خوردند]، زیر تو
 دامی نهاده اند^l
 «دیگر در او هوشمندی نیست^m!»
 ۸ آیا در آن روز نیست - وحی یهوه -
 که حکیمانⁿ را از ادوم ناپدید خواهد
 ساخت
 و هوشمندی را از کوه عیسو؟
 ۹ شجاعانت، ای تیمان^o، هراسان
 خواهند شد،
 تا هر بشری برکنده شود
 از کوه عیسو^p.

ار: ۳۸:۲۲
مز: ۴۱:۱۰اش: ۱۹:۱۱-۱۵
یول: ۴:۱۹
۲۲:۴۹

i مراد این است که او را از سرزمینش بیرون می رانند.

j تحت اللفظی: «مردمان آرامشت». کلمه ای که «آرامش» (به عبری «شالوم») ترجمه می شود، دلالت دارد بر رفاه و کامیابی مشترک و گروهی (ر.ک توضیحات ۱ پاد ۵:۲۶؛ ار ۶:۱۴؛ مز ۸۵:۱۱)، و به نوعی اشاره می کند به مردمانی که جامعه ای «مشترک المنافع» را به وجود می آورند.

k در ترجمه یونانی، این کلمه نیامده. ترجمه ما مبتنی است بر متن عبری. ما با ایجاد اندکی تغییر در تلفظ کلمات، فعل «می خوردند» را به متن اضافه کرده ایم. خوردن نان یا خوراک با دیگران، هم نشانه پیوند دوستی بود و هم عامل ایجاد آن.

l تحت اللفظی: «چماقهایی زیر پایها می گذارند.»

m این جمله را احتمالاً دوستان دروغین به عنوان توضیح یا در مقام هجو بیان می کنند.

n امروز نیز مقامات حکومتی، برای اجرای طرح های خود، با کمیته هایی متشکل از افراد «حکیم» مشورت می کنند. به این ترتیب، هر حکومتی دارای افرادی است که مشورت های سیاسی و فرهنگی ارائه می دهند. در روزگار عهدعتیق، حکیمان این دست از وظایف را علاوه بر خدمات مذهبی خود انجام می دادند. در آن عصر، سیاست و مذهب و فرهنگ به طور تنگاتنگ به یکدیگر مرتبط بودند.

o شهری واقع در منطقه شمالی ادوم.

p طبق متن عبری، آیه های ۹ و ۱۰ اینگونه قرائت می شود: «شجاعانت، ای تیمان هراسان خواهند شد، آن سان که در قتل عام، هر بشری از کوه عیسو برکنده خواهد شد. ۱۰ - به سبب خشونت هایی که بر علیه برادرت...». ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های یونانی و وولگات و سریانی.

q در اینجا احتمالاً بیان کننده این مطالب، خود نبی است. در آیات ۱۲-۱۴، او فریادهایی اضطراب آمیز سر می دهد که رفته رفته به شدت آنها افزوده می شود: گویا به این شکل می کوشد با درخواستهای مکرر خود، از حمله ادوم به یهودا ممانعت به عمل آورد.

r برای مردم خاور نزدیک، شرمساری محدود به احساس نمی شود. کلمه «شرمساری» بیانگر حالتی بس ملموس تر و واقعی تر است: نوعی نیروی مرگبار است که زندگی را کاملاً فلج می سازد و بدتر از مرگ است. ر.ک توضیحات پید ۲:۲۵.

s احادیث مربوط به سقوط اورشلیم، به طور متفق القول تأیید می کند که ادوم با شادمانی در غارت اورشلیم مشارکت داشت. ر.ک مرا ۴:۲۲؛ حزق ۳۵:۵، ۱۲:۲۵؛ مز ۱۳۷:۷.

t واژه «لشکر» می تواند به نخبگان قوم و نیز ثروت ایشان نیز دلالت داشته باشد.

u اشاره ای است به تقسیم غنیمت و زمینها با انداختن قرعه.

تمامی ملت‌ها پیوسته خواهند نوشید؛
 سخنان تکبرآمیز مگو
 در روز پریشانی [ایشان].
 ۱۳ از دروازه قوم من داخل مشو
 در روز بداقبالی شان؛
 تو نیز به مصیبتش با شادی منگر^v
 در روز بداقبالی اش؛
 دستت را بر ثروتش دراز مکن^w
 در روز بداقبالی اش.
 ۱۴ بر چهارراهها مایست
 برای قلع و قمع فراریانش،
 و زنده ماندگانش را تحویل مده^x
 در روز پریشانی [ایشان].
 ۱۵ چرا که نزدیک است روز بیهوه^y،
 بر علیه تمامی ملت‌ها.
 آن سان که عمل کرده‌ای، به تو عمل
 خواهد شد؛
 تقاص هایت بر سر تو خواهد افتاد.

حج ۲: ۱۵؛
 مز ۷۵: ۹؛
 مرا ۴: ۲۱

۱۷ اما در کوه صهیون رهایی یافتگانی
 خواهند بود^b
 -آن، مکانی مقدس خواهد بود-
 یول ۴: ۱۷
 و خاندان یعقوب به تصرف در خواهد
 آورد آنان را که او را به تصرف درآوردند.^c
 ۱۸ خاندان یعقوب آتش خواهد بود،
 خاندان یوسف شعله خواهد بود،
 ملا ۳: ۱۹
 و خاندان عیسو بدل به گاه خواهد شد؛
 ایشان او را به آتش خواهند کشاند و از
 میانش خواهند برد.
 و خاندان عیسو زنده مانده‌ای نخواهد
 داشت؛
 چرا که بیهوه سخن گفته است.

تفسیر^d

۱۹ اهل نِگب کوه عیسو را مالک خواهند
 شد،
 اهل سرزمین پست [سرزمین] فلسطینیان؛
 ایشان قلمرو افرایم را مالک خواهند شد

انتقام اسرائیل^z
 ۱۶ زیرا به همان سان که بر کوه مقدس
 من نوشیدید^a،

v چرا که ادوم برادر یعقوب است.

w ر. ک توضیحات آیه ۱۱.

x احتمالاً منظور تحویل دادن به بابلیها است.

y این اصطلاح آکنده از مفاهیم الهیاتی است و دلالت دارد بر تجلی عظیم خداوند که طی آن، فرمانروایی قطعی خود را آغاز خواهد کرد. ر. ک هو ۱: ۵؛ توضیحات عا ۵: ۱۸؛ و مقدمه یوئیل و یول ۱: ۱۵.

z در اینجا بار دیگر خداوند سخن گفتن آغاز می کند. او دیگر ادوم را مخاطب قرار نمی دهد بلکه اسرائیلیان را.

a «نوشیدن» فرمولی است سنتی برای اشاره به مجازات، مانند اصطلاح «نوشیدن جام غضب خداوند». ر. ک ار ۲۵: ۱۵-۲۹؛ حزق ۲۳: ۳۲-۳۴؛ مز ۶۰: ۵؛ ۷۵: ۹؛ مکا ۱۴: ۱۰

b این «رهایی یافتگان» چه کسانی هستند؟ احتمالاً قوم برگزیده، اما شاید هم عده‌ای از بت پرستان که معجزه آسا از قتل عام رهایی می یابند. ر. ک یول ۳: ۵.

c ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های یونانی. قرائت عبری: «به تصرف در خواهد آورد متصرفات خود را».

d این بخش احتمالاً اثر کاتبی است متأخر.

شهرهای نگب را مالک خواهند شد.
 ۲۱ و نجات یافتگان^g به کوه صهیون بر
 خواهند آمد^h
 تا کوه عیسو را داوری کنندⁱ،
 و سلطنت از آن یهوه خواهد بود.

میک ۶:۴-۷:
 زک ۱۴:۹:
 مز ۲۲:۲۸-۳۰:
 مگا ۱۱:۱۵

و قلمرو سامره را،
 و بنیامین جلعاد را [مالک خواهد شد].
 ۲۰ و تبعیدیها، این لشکر بنی اسرائیل،
 سرزمین کنعانیان را تا به صرفه مالک
 خواهند شد^e،
 و تبعیدیهای اورشلیم که در صفارد^f هستند

e در قرائت عبری به جای «مالک خواهند شد، کلمه "که" آمده است. ترجمه ما حاوی اصلاحی در حروف بی صدا است.
 f «صفارد»: احتمالاً منظور شهر «سارد» در لیدیه، یا شهر «هس پریدس» (بنغازی امروز) می باشد. یهودیان از این کلمه،
 اصطلاح "صفاردیم" را مشتق ساخته اند و آن را برای همکیشان خود در مغرب و اسپانیا به کار می برند.
 g قرائت عبری: «نجات دهندگان». ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی و ترجمه های قدیمی.
 h «بر آمدن» در اینجا اصطلاحی است فنی که دلالت دارد به سفر زیارتی و راهپیمایی به سوی معبد. رک اش ۳:۲ و مز ۱۲۰.
 i منظور «حکومت کردن» است. رک توضیحات داور ۲:۱۶.